



آیا می توان در عصر کنونی ابن سینا را الگو قرار داد

نویسنده: دکتر ضیاء الدین تابعی
رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی
- استاذ دانشگاه علوم پزشکی شیراز

برابر خوشیهای حسی ناچیز می شمارند. ابن سینا در این فصل پس از نقل سخن آنان بیان داشته است که لذات باطنی از جهات مختلف به مراتب قویتر از لذات حسی است و آن جهات به شرح زیر خلاصه می شود:

۱- در نزد انسان خردمند غلبه و پیروزی بر دشمن در هر چیزی بر لذات حسی رجحان دارد و به همین جهت اشخاص برای رسیدن به این هدف از لذات حسی دست برمی دارند، و توجه خود را برای رسیدن به لذات توهمی معطوف می دارند، چنان که در بازیهای شطرنج دیده می شود.

۲- انسان خردمند و عاقل با این که تندرست و سلامت است برای مراعات جاه و مقام، پیش مریدان خود از لذایذ حسی دست برمی دارد تا به مقام دلخواه خود برسد.

۳- مردان بخشنده و بزرگوار، انعام و بخشش را بر لذتهای حسی رجحان می دهند، و به همین جهت تحمل گرسنگی در نظر آنان به مراتب گوارتر از آن است که به مستمندی انعام و

آنچه در مقاله حاضر آمده است تلخیصی است از نمط هشتم کتاب اشارات و تنبیهات که توسط آقای دکتر حسن ملک شاهی استاذ محترم دانشگاه تهران ترجمه و تفسیر شده است.

شادمانی و نیک بختی

ابن سینا در نمط هشتم اشارات و تنبیهات در مورد حالت سرور و سعادت که برای صاحبان خیر و کمال حاصل گردد بحث کرده و انواع آنرا مورد بررسی قرار می دهد. وی معتقد است که شادمانی و سعادت مانند ادراک دارای مراتب چهارگانه حسی و عینی و توهمی و تعلقی است و کاملترین نوع آن سعادت تفضلی است.

مشهور در نزد مردم آن است که سعادت و نیکبختی جز لذت حسی چیز دیگر نیست و مردم عوام عقیده دارند که لذت فقط به دریافتهای حسی، ادراک می شود، و آن لذتهایی که به حس در نمی آید و محسوس نیست یا وجود آن را انکار می کنند و به خیالات بی اساس مربوط می دانند و یا آن خوشیها را در

در محافل تربیتی و دانشگاهی همیشه حرف از سرمشق و اسوه است. و بسیاری از جوانان و دانشجویان آرمانی معتقدند که اگر الگوی مناسبی که تجسم عینی حقایق آرمانی باشد بیابند به او اقتدا خواهند نمود. جوانان بیشتر مایل هستند از الگوهای زنده که به عین الیقین نقش الگویی و رهبری او را دریافت کرده اند اقتدا نمایند ولی گذشتگان که آثار و گفته ها و کردارشان قابل تطبیق در مکانها و زمانهای مختلف است می توانند الگو باشند. ابن سینا یکی از این الگوها می تواند باشد بشرطی که شناختی دقیق از افکار و اندیشه ها و طرز برخورد وی با مسائل داشته باشیم.

در عرف تمام ما ابن سینا پزشک شایسته احترامی است. ولی در عرف خواص ابن سینا فیلسوف و پزشکی است که اگر چه جزء عرفا نیست ولی به عرفان توجه خاصی داشته است بعبارت دیگر ابن سینا یک دانشمند تجربی، یک فیلسوف و یک عارف است. به همین دلیل چند بعدی بودن او در عالم پزشکی، پیش گوئیهای دارد که در عصر کنونی با وجود پیشرفت تکنولوژی قابل اثبات شده اند و همچنین مکانیسمهایی برای حالات عرفانی و حال عرفا بیان می کند که برای دانشمندان تجربی نیز ملموس می باشد. لذا بر آن شدیم گوشه ای از گفته های ایشان که در عصر حاضر نیز از شادابی و طراوت خاصی برخوردار است برای علاقمندان بازگو نماییم.



بخشش نمایند و سعادت و نیکبختی به عقیده آنان در این است که بتوانند از مستحقّی دستگیری کرده و او را مساعدت کنند.

۴- آنان که بزرگ نفس و بلند همت و شریفند به مراتب ترجیح می دهند که گرسنه و تشنه بمانند تا دست تکدی به سوی دیگران دراز کنند.

۵- همچنین مردان بلند همت و شریف، مبارزه در کارزار را در برابر مرگ و هلاکت، ناچیز می شمارند؛ بهترین گویای این حقیقت، تاریخ است که نشان می دهد آزاد مردان و اشخاص مبارز با علم به این که در مبارزه شکست خواهند خورد و نتیجه کارزار آنان هلاکت و نیستی خویشتن است با این وصف برای آن که آیندگان، آنان را ستایش و تمجید کنند، خود را به خطر انداخته، و بر جماعت کثیری حمله می کنند و چه بسا در این راه جان خویش را از دست می دهند.

۶- از این گذشته پیش حیوانات بی زبان هم گاهی لذتهای خیالی بر لذات حسی ترجیح دارد چنان که سگ

شکاری با این که گرسنه است شکار را برای صاحبش نگه داشته و آن را برای صاحبش می برد.

۷- همچنین حیوانات شیرده مصلحت فرزندان خود را بر مصلحت خویش ترجیح می دهند و به همین سبب برای حمایت از بچه خود، خویشتن را به خطر می اندازند.

با توجه به موارد یاد شده که در حقیقت صغراهای قیاس بود گوئیم: هر چه در نزد شخص مقدمتر باشد آن چیز نسبت به آن شخص لذیذتر خواهد بود، پس لذات باطنی قویتر و لذیذتر از لذات حسی است و قوی لذات باطنی بر لذات حسی رجحان و برتری داشته باشد، پس لذات عقلی به مراتب لذیذتر از لذات حسی خواهد بود.

با این که معنای لذت و الم به نظر برخی از دانشمندان بدیهی و بی نیاز از تعریف است، مع ذالک ابن سینا در این فصل، لذت و الم را تفسیر نموده تایید کند لذات و آلامی که برای عقول است به مراتب کاملتر و تمامتر از لذات و آلام نفوس حیوانی است. چنان که ملاحظه

می شود در تعریف لذت دو چیز آمده است: یکی دریافت کمال و خیر و دیگر رسیدن به آن. بنابراین لذت با دریافت کمال و خیر بدون رسیدن به آن و یا با وصول و نیل به آن بدون ادراک و دریافت تحقق نمی یابد. پس لذت، دریافت و حصول لذیذ و رسیدن به آن است، و قید این که پیش دریافت کننده خیر باشد، به جهت آن است که گاهی یک چیز نسبت به چیزی کمال و خیر است ولی دریافت کننده اعتقاد به کمال و خیر بودن آن ندارد، در این صورت از دریافت و وصل به آن لذت نمی برد. و گاهی به عکس یک چیز نسبت به چیز دیگر کمال و خیر نیست ولی دریافت کننده اعتقاد به کمال و خیر بودن آن دارد، در این صورت از ادراک و وصول به آن لذت خواهد برد، به این جهت کمال و خیر بودن را نسبت به دریافت کننده اعتبار کرده است. پیداست که یک چیز ممکن است از جهتی کمال و خیر باشد و همان چیز از جهت و اعتبار دیگر شر و الم را به دنبال داشته باشد، بدیهی است که لذت به آن، از آن جهت خواهد

بود که کمال و خیر است .

بعد از بیان و تفسیر ماهیت لذت ماهیت الم نیز روشن است، چه به مقتضای این سخن که (تعریف الاشیاء با ضدادها) الم در مقابل لذت است و با شناختن معنای لذت معنای الم نیز شناخته می شود.

ابن سینا در بیان ماهیت لذت و الم در متن چنین گفته است: لذت دریافتن و رسیدن به چیزی است از آن جهت که پیش دریافت کننده کمال و خیر است و الم و درد، دریافتن و رسیدن به چیزی است که پیش دریافت کننده شر و آفت است.

ابن سینا بعد از بیان ماهیت لذت و الم به معنای خیر و شر که در تعریف لذت و الم آمده است، اشاره کرده و در این باره می گوید: خیر و شر دارای معنای اضافی و نسبی هستند و به همین

جهت خیرات را نسبت به سه قوه: شهوت، غضب و عقل می سنجدند. آنچه پیش قوه شهوت خیر است، خوراک ملایم و پوشاک مناسب است. و آنچه پیش قوه غضب خیر است، پیروزی و چیرگی است، و آنچه پیش عقل نظری خیر است، شناختن حق از باطل است. و آنچه پیش عقل عمل خیر است، شناختن زیبا و جمیل و عمل به مقتضای آن می باشد.

و آن خیراتی که به کمک عقل و به مشارکت سایر قوا به دست می آید به این عبارت: (و از خیرات عقلی رسیدن به شکر و سپاس و ستایش و ثنای فراوان و بزرگواری است، و خلاصه آن که همت خردمندان در این باره گوناگون است) آورده است.

ابن سینا در پایان این فصل بین خیر و کمال فرق گذاشته و گفته است:

خیری که به چیزی اضافه شود همان کمال خاص آن چیز است که به استعداد نخستین خواهان اوست. برای روشن شدن فایده قید (نخستین) بعد از کلمه استعداد گوئیم: یک چیز گاهی دارای دو استعداد است که یکی بر دیگری عارض می شود، ولی آنچه اشیاء به استعداد ثانوی به سوی آن روی می آورند نسبت به ذات آن خیر نخواهد بود. مثلاً آدمی به مقتضای فطرت ذاتی خود برای به دست آوردن فضایل آماده است، سپس هر گاه حالتی در او پدید آید که به دنبال رذایل برود، این خواستن رذایل به حسب استعداد ثانوی خواهد بود. پیدا است که چنین امری خود به خود خیر نیست. بنابر این در لذت دو چیز معتبر است: یکی کمالی که خیر باشد و دیگر دریافت آن کمال از جهت آن که کمال خیر است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

کسی که دانش فراگیرد تا بوسیله آن بایخردان ستیزه کند، یا به دانشمندان مباحثات نماید و یا توجه مردم را بخود جلب نماید تا او را احترام کنند. باید جایگاه خود را از آتش گزیند.